

کلمات دخیل مختوم به تاء مربوطه

احمد سمیعی (گیلانی)

ریشه عربی و بندرت غیر عربی ساخته شده‌اند و، به هر حال، هیئت لفظی آنها بعین در واژگان عربی دیده نمی‌شود.^۷

از پیکره در پایان کتاب سیاهه‌ای ارائه شده است که تصویر جامعی از مواد بررسی شده به دست می‌دهد و، علاوه بر این، بویژه از این حیث با ارزش است که واژه‌ها در آن به گروه‌هایی از اوزان تقسیم شده‌اند که خواص هر گروه، با ارجاعاتی که به شماره‌های رمز (کد) متن داده شده، به آسانی معلوم می‌گردد. ضمناً مشخصات استثنایی بعضی از اقلام (شبه قرضی بودن یا تحوّل صوری از کهن به نو) با علائم رمزی نشان داده شده است. در این سیاهه ۸۱۰ واژه مختوم اند به *-eh* («ه») و ۶۴۲ واژه به *-at* («ت») که جمع آنها می‌شود همان ۱۴۵۲، که از این میان ۴۰ زوج (۸۰ واژه) دارای صورت پایانی دوگانه *-at-eh* (ه/ت) اند. شمار واژه‌های شبه قرضی ۵۹ و شمار واژه‌هایی که صورت پایانی آنها از گونه‌ای به گونه دیگر (از *-eh-at*) در آمده ۲۰۲ است.

محقق در مدخل کتاب^۸ فهرست شماری از واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها را که در این بررسی از آنها استفاده کرده به دست داده و، علاوه بر آن، در صفحات پایانی^۹ از مآخذ خود فهرست جامعی عرضه داشته است. همچنین نشانی کامل منابع و مراجعی را که طرداً للباب از آنها بهره گرفته در اثنای متن آورده است.

مؤلف همچنین در ذکر سابقه تحقیق در موضوع پژوهش خود امساک ننموده؛ هر چند این سابقه، به قیاس با حجم و عمق کار او، چندان درخور توجه نبوده است. چنانچه محقق اشاره کرده، اهل زبان در اختیار یکی از صورتهای دوگانه پایانی *-at-eh* (ه/ت) در واژه‌های مورد بحث طبعاً به مقتضای شَمّ زبانی خود عمل کرده‌اند ولی پیش از او کسی در صدد بررسی جدی چند و چون کارکرد این شَمّ زبانی و استخراج انگیزه‌ها و دلایل آن بر نیامده بوده است. فرشیدورد^{۱۰} (۱۹۶۹) به این قول اکتفا می‌کند که تاء تأنیث

صورت و معنی در واژگان فارسی - نشانه پایانی تأنیث ت/ة در عربی، جان ر. پری، دانشگاه شیکاگو، ۱۹۹۱.

John R. Perry, *Form and Meaning in Persian Vocabulary The Arabic Feminine Ending*, University of Chicago, 1991

موضوع این مقاله بررسی کتابی است که به سال ۱۹۹۱ در مجموعه مطالعات فارسی^۱ (شماره ۱۲) به نفقه انتشارات مزدا^۲ چاپ و منتشر شده است. محقق در این کتاب واژه‌های قرضی زبان فارسی (از جمله دری افغانی و تاجیکی) را که اصل آنها کلمات عربی مختوم به «ة» (تاء مربوطه) است و، در حاشیه آن، همین گونه واژه‌ها را در زبانهای ترکی (از جمله ترکی عثمانی و ترکی جدید ترکیه) و اردو/ هندی و مالایائی / اندونزیائی و تاتاری و ازبکی، با اشاره‌هایی به سواحلی و موسایی، با استقصای تمام بررسی کرده است.

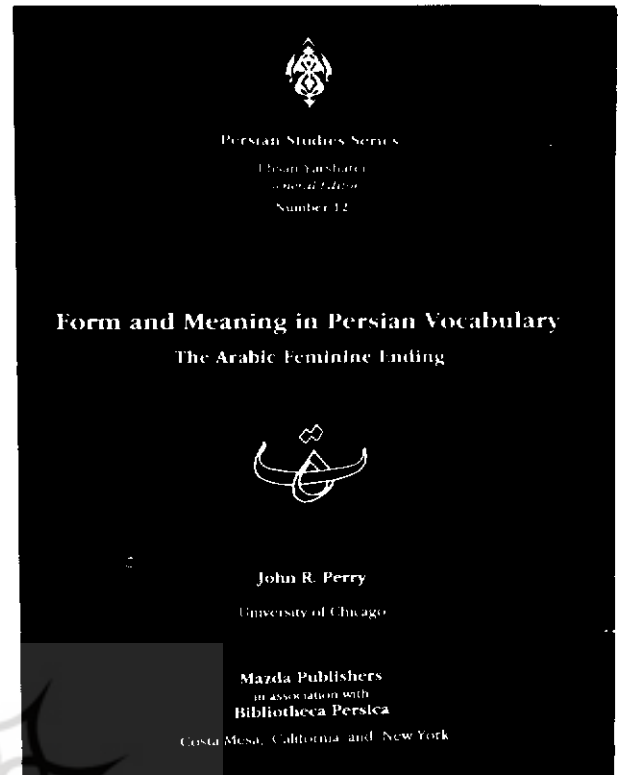
پیکره پژوهش در مورد زبان فارسی عمدتاً از فرهنگ فارسی- انگلیسی کوچک حثیم^۳، با حذف و اضافه مختصر اخذ شده است. افزوده‌ها از حثیم دو جلدی^۴ و فرهنگ فارسی- آلمانی یونکر و بزرگ علوی^۵ و فرهنگ فارسی- روسی میلر^۶ استخراج شده است. این پیکره مجموعاً ۱۴۵۲ واژه را («زوج»ها، یعنی واژه‌های قرضی دارای صورتهای دوگانه *-at-eh* [ت/ة]، مثل مساعده/ مساعدت یا اشاره/ اشارت دو واژه حساب شده‌اند) در بر می‌گیرد که خود سیاهه نسبتاً کاملی از این قبیل واژه‌ها را که سخنگویان تحصیلکرده به کار می‌برند و نسل پیشین به کار می‌برده‌اند پدید می‌آورد.

در این میان، پاره‌ای از لغات «شبه قرضی» اند، یعنی صورت واژه‌های قرضی دارند ولی از اصل عربی نیستند بلکه بقیاس از

صفت صعب است) و «گرایش» به *eh* («ه») و تفوق آن را در اوزان تفعیه (تجزیه، تسمیه) و مُفاعله (مذاکره) خاطر نشان می‌سازد. همچنین از صور دوگانه اراده/ارادت و اَمْنیه/ اَمْنیت یاد می‌کند.^{۲۰} فیلوت به فرق معنایی گونه‌های دوگانه با ذکر شاهد، از جمله صحت (= اعتبار و درستی) و صحه (= امضا و تأیید)، اشاره می‌کند ولی این دوگونگی آوایی را با دوگونگی صرفاً نوشتاری در

حاشیه:

- 1) *Persian Studies Series*, Number 12.
 - 2) Mazda Publishers.
 - 3) *Shorter Persian-English Dictionary* (1954).
 - 4) *New Persian-English Dictionary* (1934, 1962).
 - 5) *Persisch-Deutsch Wörterbuch* (Junker and Bozorg Alawi, 1965).
 - 6) *Persidsko-ruskij Slovar* (B. V. Miller, 1960).
- ۷) از این گروه‌اند: شماطه، سکونت، نشریه، اَمْنیه/ اَمْنیت، شهریه، اَکالیت، تمامیت، رجولیت، عواریه، ابلاغیه، اجرائیه، اجلاسیه، احضاریه، اخطاریه، اعلامیه، ارشدیت، ایرانیت، خالقیت، عاملیت، مجذوبیت، مسمومیت، مشروطیت، موجودیت، مجرمیت، مظفریت، مفیدیت، موثقت، محرمیت، موفقت، ملعنیت، باکره، حامله، بیعانه («انه») پسوند قیدی است و شاهد از مقوله واژه‌های مختوم به *ه/ت* خارج است)، رویه، حفاظت، دخالت، رشادت، رضایت، رفاقت، شباهت، فراغت (در سیبانه شبه قرضی قلمداد شده است)، فلاکت، قضاوت، نفاقت، هلاکت، حقایق (از مقوله خارج است)، خراشه (ایضاً)، کرابه (ایضاً)، استجاره، خجالت، ساقه *eh*- پسوند تشبیه است و از مقوله خارج است)، غرفه، غره، کیسه (از مقوله خارج است).
- 8) 1. Introduction (page 7).
 - 9) pp. 227-234.
- ۱۰) فرشیدورد، خسرو. ۱۹۶۹/۱۳۴۸. عربی در فارسی، چاپ دوم، تهران، ص ۱۸۳.
- 11) Rubínčik, Iu. A. 1965. O karaktere fonetičeskix izmenij arabiskix zaimstvovanij v persidskom iazyke. *Semitskie jazyki. Materialy pervoj konferencii po semitskim jazykam*. Moscow. 2/2: 585-597.
- 12) Bittner, Maximilian. 1900. Der Einfluss des Arabischen und Persischen auf das Türkische. Eine philologische Studie. *Sitzungsberichte der Kaiserlichen Akademie der Wissenschaften, philosophisch-historische Classe* 142: 3. Vienna, 47-8.
- Belgorodskij, N.A. 1936. *Sovremennaja persidskaia leksika*. Moscow/Leningrad. 61 and notes 2,5.
- ۱۳) برای بحث کتابشناختی، نک.
- Windfuhr, Gernot L. 1979. *Persian Grammar: History and State of its Study*. Trends in Linguistics, State-of-the-Art Reports 12. The Hague: Mouton. 155-8.
- 14) Koppe, Reiner, 1959-60. Statistik und Semantik der arabischen Lehnwörter in der Sprache 'Aawis. *Wissenschaftliche Zeitschrift der Humboldt-Universität zu Berlin* 9: 585-619.
- 15) Moïnfar, Mohammad Djafar. 1970. *Le vocabulaire arabe dans le Livre des Rois de Firdausi*. Wiesbaden: Harrassowitz.
- 16) Utas, Bo. 1977. *A Persian Sufi Poem: Vocabulary and Terminology*. Scandinavian Institute of Asian Studies, Monograph Series, No. 76. London and Malmö: Curzon Press.
- 17) In Geiger, W, and E. Kuhn, ed. 1895-1901. *Grundriss der iranischen Philologie*. 2 vols. Strassburg. Vol. I, Part 2, 12.
- 18) *Persian - English Dictionary* (1892, 1957), 1484 b.
- 19) quality noun
- 20) Lambton, A.K.S. 1960 *Persian Grammar*. Cambridge: University Press. 186.



عربی را، که در فارسی معمولاً *h/* تلفظ می‌شود، به «ت» (تاء) ممدوده) می‌نویسند. یوری رویبچیک^{۱۱} (۱۹۶۵)، ایران شناس شوروی، در مقاله خود، راجع به تغییرات آوایی در واژه‌های قرضی فارسی از عربی، از «تاء مربوطه» یاد نمی‌کند. در موارد نادری از تحقیقات اروپاییان در زبانهای فارسی و ترکی، به صورتهای دوگانه *atl-eh* (ه/ت) و همچنین فرق معنایی آنها عبوراً اشاره شده است.^{۱۲}

مطالعات آماری و معناشناختی چندی در زبان فارسی به همت غربیان و پژوهشگران ایرانی صورت گرفته ولی در هیچیک از آنها به این گروه از واژه‌ها اشاره نشده است.^{۱۳} راینرکوپه (۱۹۵۹-۶۰)^{۱۴} و معین فر (۱۹۷۰)^{۱۵} و اوتاس (۱۹۷۷)^{۱۶} در تحقیقات خود به صورتهای قرضی مختوم به «تاء مربوطه» نیز پرداخته‌اند.

شاید پاول هرن (۱۸۹۵) نخستین محقق باشد که به صورتهای دوگانه *atl-eh* (ه/ت) این واژه‌های قرضی توجه نموده است.^{۱۷} اشتنگاس (۱۸۹۲) نیز در مقدمه فرهنگ خود^{۱۸} درباره این گونه واژه‌های قرضی فارسی از عربی می‌گوید که صورت پایانی *eh* («ه») در صفات مؤنث و اسمهای غیرمعنی می‌آید.^{۱۸} لمتن، با قید احتیاط، «گرایش به *at*» («ت») را در اوزان فعوله (حکومت)، فعاله/ فعالة (برائت، امامت)، فعالية (کراهیت) و به طور کلی در اسمهای صفات^{۱۹} (مانند صعوبت که اسم برای

قیمت / قیمة (qimehl qimat) یا جهت / جهه (jehehl jehat) خلط می‌کند.^{۲۱} بعضی از ترك شناسان با تذکر این نکته که اختیار صورتهای دوگانه *at-* و *eh-* در گویشها یا در ترکی عثمانی، از سویی، و در زبان فارسی، از سوی دیگر، همواره مطابقت ندارد، نشان داده‌اند که متوجه اصل مطلب هستند، هر چند به آن نپرداخته و از آن گفتگو نکرده‌اند.^{۲۲}

در بررسی عالمانه محقق، دوگونگی صورتهای واژه‌های قرضی، هم در تحول تاریخی و هم در زبان زنده امروزی از جهات متعدد توجیه و تعلیل شده است. وی ابتدا این نکته را یادآور می‌شود که در پارسی میانه، از حدود سده پنجم میلادی، *tl* پایانی پس از مصوت حضور ندارد و این واج در این یافت به */δ/* («ذ») بدل شده است (مثل */magōpat/ > /mōba δ/*) و همچنین */rt/* پایانی به صورت */rd/* در آمده است (مثل */kard/ > /kard/*) ولی در لغات دخیل فارسی این ابدال روی نداده است (مثل لات، مات، پیت، پرت، چرت). بدین سان، در واژه‌های فارسی سره متناظر با واژه‌های پارسی میانه کلمه‌ای که به *at/* ختم شده باشد نداریم. اما، در میان واژه‌های دخیل، کلمات مختوم به «تاء مر بوطه» (به صورت *at-*) در میان معاف ماندگان از تحول */tl/ > /dl δ/* یا */rt/ > /rd/* دارای بیشترین بسامندند. این را نیز اضافه می‌کند که به هنگام هجوم لغات عربی هنوز *ag/* پایانی پارسی میانه به *eh-* تبدیل نشده بوده و صورتهای کلمات قرضی عربی از فارسی (دائق / دایج = دانه؛ تازج = تازه) را برای این قول دلیل می‌آورد. از سوی دیگر، مارا به دوگونگی تلفظ «تاء مر بوطه» در عربی در دو حالت وصل و وقف (دولة الفرس، امین الدوله) و همچنین به این نکته که صورت نوشتاری عربی نیز از قدیم دستخوش تحول شده و مسیر «ه» - «ت» - «ة» را پیموده است توجه می‌دهد.

با توجه به این حقایق، پیدا شدن صورتهای دوگانه برای واژه‌های مختوم به «تاء مر بوطه» طبیعی جلوه می‌کند، چون، از سویی، در عربی صورت نوشتاری «ت» در پایان این کلمات وجود داشته و صورت گفتاری *at-* در حالت وصل و *ah-* در حالت وقف وجود دارد، و از سوی دیگر، تحول *at-* به *eh-* در فارسی، با توجه به حضور نداشتن *at-* پایانی در واژه‌های فارسی سره، موجه است. آنچه می‌ماند بررسی همزمانی و در زمانی (تاریخی) وجوه این دوگانگی و گروه‌بندی مواد و توضیح و بیان انگیزه‌ها و عوامل تعیین‌کننده یکی از صورتهای دوگانه یا حضور همزمان آنهاست. در گروه‌بندی مواد، محقق پیش از هر چیز به احکامی که درباره آنها جاری است نظر دارد و همچنین به جهات و عوامل و انگیزه‌ها و دلایلی که در تعیین صورت آنها دخیل اند. بر این مبنا، محقق مواد پیکره را در گروههایی هر يك شامل يك یا چند وزن جای می‌دهد و عمدتاً با توجه به هویت دستوری مشترك و

مشابهت وزنی آنها احکام جاری درباره آنها را بیان می‌کند. بدین سان، گروهها بر سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: الف) با صورت پایانی منحصرأ *eh-*؛ ب) با صورت پایانی منحصرأ *at-* ج) مختوم به *iyat-* و گروههای دارای صورتهای پایانی *at-eh-* با نسبتهای بسامدی گوناگون.

● دسته الف (با صورت پایانی منحصرأ *eh-*) مشتمل بر سه گروه (مجموعاً شامل هفت وزن) به شرح زیر است:

۱) *mefaleh*، مانند محفظه، مشعله، ملحفه (ملافه)؛ ملعقه (ملاقه)؛

۲) *fa'āleh*، مانند جمازه، رجاله، عَراده، علامه، نظاره، شماطه (شبه قرضی)؛

۳) *mafuleh...*، مانند مجموعه، مقوله، مجسمه، محوطه، مخیله، مقدمه، ملتحمه؛ مستعمره.

● دسته ب (با صورت پایانی منحصرأ *at-*) مشتمل بر يك گروه (شامل دو وزن) مانند ابوت، برودت، سکونت (شبه قرضی)، ضرورت، مؤونت، یبوست.

● دسته ج (از جمله گروههای مختوم به *iyat-* و گروههای دارای صورتهای پایانی *at-eh-*) مشتمل بر پانزده گروه (هر گروه شامل يك یا چند وزن) به شرح زیر:

□ *fa'liyat...*، مانند ابدیت، اهلیت، جسمیت، ضدیت، عضویت، معیت، هویت.

... *fa'liyah*، مانند بلدیه، ذریه، سخریه، صحیه، عدلیه، نظریه، نشریه (شبه قرضی).

fa'liyat-eh، مانند امنیه / امنیت (شبه قرضی)، شهریه / شهریت (شبه قرضی)، عاریه / عاریت، کلیه / کلیت.

□ *fa'āliyat...*، مانند الوهیت، تمامیت (شبه قرضی)، خلاقیت، رجولیت (شبه قرضی)، فعالیت، قدوسیت (شبه قرضی)، کراهیت، یهودیت.

... *fa'āliyah*، مانند اثاثیه، علانیه، عواریه (شبه قرضی)؛ جلیدیه، جهیزیه؛ ورودیه.

fo'āliyat-eh، مانند زجاجیه / زجاجیت.

□ *ef'āliyah*، مانند ابلاغیه (شبه قرضی)، اجرائیه (شبه قرضی)، اجلاسیه (شبه قرضی)، احصائیه، احضاریه (شبه قرضی)، اخطاریه (شبه قرضی)، اطفائیه، اعلامیه (شبه قرضی).

efte'āliyah اتحادیه

tef'āliyah تذکاریه

□ *fa'taliyat*... مانند خبرویت، جمهوریت، مانویت.

af'aliyat، مانند ارشدیت (شبه قرضی)، افضلیت، اقلیت،

اکثریت، اولویت، اهمیت.

fa'lāniyat... مانند انسانیت، ایرانیت (شبه قرضی)،

حیوانیت، رهبانیت، شهوانیت.

fa'eliyat... مانند آدمیت، خالقیت (شبه قرضی)، عاملیت

(شبه قرضی)، مأموریت، مجذوبیت (شبه قرضی)، مسمومیت

(شبه قرضی)، مشروطیت (شبه قرضی)، موجودیت (شبه

قرضی)، مجرمیت (شبه قرضی)، مدیریت، مظفریت (شبه

قرضی)، معافیت، مفیدیت (شبه قرضی)، موثقت (شبه قرضی)،

موفقیت (شبه قرضی).

maf'aliyat مانند محرمیت (شبه قرضی)، مرکزیت، معنویت،

موقعیت.

□ *maf'alat*، مانند محبت، مذلت، مرحمت، مساحت، مسافت،

ملعنت (شبه قرضی).

maf'aleh، مانند مئابه، محله، مرحله، مغاره، مقاله، مقره.

maf'alatl-eh، مانند مخافه / مخافت، مرتبه / مرتبت، منزله /

منزلت، میمنه / میمنت.

□ *fa'elat*، عافیت، عاقبت.

fa'eleh، مانند آتیه، جاده، حاشیه، حامله (شبه قرضی)، قائمه،

قاره، مادّه.

□ *mof'elat*، مصیبت.

mof'eleh، مانند محرقه، مطبقه، معجزه، ممکنه.

□ *fa'lalat*...، مانند سلطنت، شیخوخت، شیطنت، قیمومت.

fa'laleh...، مانند بدرقه، جربزه، قهقهه، هندسه، ببحوحه،

تنوره، قاروره، قیلوله، غربیله، اجدوئه، اعجوبه، بیعانه [خارج از

مقوله]، طمانینه، قشعریه.

□ *fa'ilat*، مانند اذیت، بصیرت، رعیت، هزیمت.

fa'ileh، مانند اریکه، بدیهه، بقیه، بهیمه، حدیقه، هدیه.

fa'ilatl-eh، مانند رویه / رویت (شبه قرضی)، طریقه /

طریقت.

□ *fa'alat*...، مانند اصالت، برائت، برات، حفاظت (شبه

قرضی)، دخالت (شبه قرضی)، رشادت (شبه قرضی)، رضایت
(شبه قرضی)، رفاقت (شبه قرضی)، شباهت (شبه قرضی)،
فلاکت (شبه قرضی)، قضاوت (شبه قرضی)، نقاهت (شبه
قرضی)، هلاکت (شبه قرضی).

fa'āleh...، مانند اثاثه، براده، حقاچه [خارج از مقوله]، خرابه،

خراشه (شبه قرضی)، خلاصه، عمامه، قیافه، کرایه (شبه قرضی)،

نخاله.

fa'ālatl-eh...، مانند حماسه / حماست، حواله / حوالت،

خطابه / خطابت، رساله / رسالت، زیاده / زیادت، شراره /

شرارت، کفار / کفارت، مراره / مرارت.

□ *taf'elat*...، مانند تحیت، تربیت، تسلیت، تقویت، تمشیت،

تولیت، تهنیت.

taf'eleh...، مانند تأدیه، تتمه، تکیه، تهیه.

taf'elatl-eh، تعزیه / تعزیت.

□ *mofā'alat*، مانند مبادرت، مجاورت، مخالفت، مداومت،

مزاومت، مسافرت، مشایعت، مطاوعت، معاشرت، مغایرت،

مفاخرت، مقاومت، ملاطفت، ممارست، منافقت، مواظبت،

موافقت، مؤانست، مهاجرت.

mofā'aleh (بیشتر تحول یافته از صورت *-at*)، مانند مباحثه،

متارکه، مجادله، محاجه، مخاطره، مداخله، مذاکره، مراهجه،

مزایده، مسامحه، مشاهده، مصالحه، مطالعه، معالجه، مغازله،

مفاوضه، مقابله، مکاتبه، ملاحظه، منازعه، موازنه.

mofā'atatl-eh، مانند محافظه / محافظت، مراجعه / مراجعت،

مراقبه / مراقبت، مساعده / مساعدت، مشارکه / مشارکت،

مصاحبه / مصاحبت، مطابقه / مطابقت.

□ *ef'ālat*، مانند اجابت، اصابت، اطاعت، انابت، اهانت.

ef'āleh، مانند اجاره، احاله، اداره، ارائه، ازاله، اشاعه، اضافه،

اعاده، افاقه، اقاله، اماله.

ef'ālatl-eh، مانند اراده / ارادت، اشاره / اشارت، اعانه /

اعانت، افاده / افادت، اقامه / اقامت.

□ *estefālat*، مانند استجابیت، استراحت، استطاعت،

استعانت، استقامت، استمالت.

estefāleh، مانند استجاره (شبه قرضی)، استجاره، استحاله،

استخاره، استشاره، استطاله، استعاره، استغاثه، استفاده.

حاشیه:

21) Phillott, D.C. 1919. Higher Persian Grammar. Calcutta. 20.

22) Scherner, Berndt. 1977. Arabische und neupersische Lehnwörter im Tschuwaschischen. Wiesbaden: Franz Steiner.

□ *fa'lat...* مانند آفت، آلت، ایبت، اجرت، الفت، اُمت، بدعت، برکت، بیعت، تهمت، جبَلت، جهت، خجلت (شبه قرضی)، حرکت، حدّت، ساحت، سمت، صفت، عفت، مدت. *fa'leh...* مانند اصله، الهه، بشره، بنیه، توبه، جبه، ثمره، صفه، عده، غوطه، قفسه، نسیه، نقره، واحه، هاله، هبه. *fa'lat-eh...* آیه / آیت، خیره / خیرت، شهره / شهرت، صحه / صحت، ضربه / ضربت، قوه / قوت، نوبه / نوبت، وصله / وصلت.

صورت‌های دوگانه زوجها حالات متعدد پیدا می‌کنند: گاهی هر دو صورت به یک معنی اند و تفاوت آنها سبکی است یعنی یکی از صورتها کهن (ارکائیک) و منسوخ و صورت دیگر نو زنده است. این حالت در مواردی دیده می‌شود که صورت مختوم به *-at* در تحوّل تاریخی به صورت مختوم به *-eh* بدل گشته در عین آنکه معنی لفظ حفظ شده است. این پدیده بخصوص در مورد مصدرهای باب مفاعله شیوع دارد؛ مثل مسامحت، مشاهدت، مضایقت، معاشقت، معاملات، مناقشت که صورتهای کهن و مرده مسامحه، مشاهده، مضایقه، معاشقه، معامله، مناقشه‌اند. گاهی نیز هر دو صورت در زبان زنده امروزی با فرق معنایی

جدول زوجها

ملائی	اردو	تاتی	ترکی	دری	تاجیکی	فارسی	فارسی کهن
ت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
-	ه	-	ه	ه	ه	ه	ه
-	ت	-	ت	-	-	ت	ت
-	ه	-	ه	-	ه	ه	ه
ت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
ت	ه	ه	ه	ه	ه	~	~
-	ت	-	ت	~	~	ت	ت
(ت)	(ت)	-	ه	ه	~	ت	ت
-	(ت)	-	(ت)	(ه)	-	ت	ت
ه	ت	ت	ت	~	ت	ت	ت
-	-	-	ت	-	-	ت	ت
-	-	-	ه	-	-	ه	ه
ت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
ت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت

عذّه/عذت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
عزیزه/عزیزت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
طریقه/طریقت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
اضافه/اضافت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
کتابه/کتابت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
خطابه/خطابت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
کلیه/کلیت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
تعزیه/تعزیت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
معادله/معادلت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
مساعده/مساعدت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
اعانه/اعانت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
سنه/سنت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
ایه/ایت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
آله/الت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
نوبه/نوبت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
منزله/منزلت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
زیاده/زیادت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت

وهیئت صوری (مورفولوژی) و گاه تنها هیئت صوری عربی است.

در این بررسیها، علاوه بر نسبت بسامدها، میزان باروری و زبایی صورتها و طیف معنایی آنها در هر گروه ارائه شده است.

در عین حال، محقق، ضمن بحث درباره خواص هر گروه به نکته‌هایی ظریف دست یافته که چند فقره از آنها را نمونه‌وار نقل می‌کنم:

□ در تعلیل وجود صور دوگانه میمنه/ میمنت و اقامه/ اقامت می‌گوید که هر چند هر دو صورت از یک ریشه (حروف صامت اصلی) اند ولی در اصل عربی نیز از نظر لفظی و معنایی دو شاخه شده‌اند. مثلاً میمنه از شاخه «یمن» (سمت راست؛ جنوب) و میمنت از شاخه «یمن» (مبارکی، فرخندگی) آمده است. همچنین اقامه از «قیام» و «اقامت» از «قامه/ قامت» منشعب شده است.

□ صورتهای قالبی به همان هیئت اصلی خود باقی مانده‌اند، مثل الساعه، حفظ الصحه، فوق العاده، تذکرة الاولیا، امین الله و حال آنکه، با بیرون آمدن از قالب، داریم: ساعت، صحت، عادت، تذکره، ملت. همچنین در القاب صورت اصلی گفتاری حفظ شده است؛ مانند آیه‌الله/ آیت الله، نصره الدوله/ نصرت الدوله.

□ در ترکیب عربی- فارسی نیز صور دوگانه دیده می‌شود؛ مانند خوش صورت، بی‌فایده، علاقه‌مند، ذیقیمت، ذیعلاقه.

□ نامهای کسان و جایها عموماً به صورت *-eh* در می‌آیند: خدیجه، فاطمه، بصره.

□ در صفات متعلق به موصوفهای مؤنث و بیشتر طبقات و اقسام اسامی دال بر انبوه و جماعت صورت *-eh* اختیار شده است، مانند رقاصه، خارجه، ضعیفه، عامه؛ همچنین در جمعهای مکسر عمه، طلبه، آئمه، علوفه، صحابه، افاغنه، فلاسفه، صحابه.

□ وقتی صورت مختوم به *-eh* از زبان ادبی وارد زبان رایج شد، فرق آن با واژه‌های اصیل مختوم به *-eh* (در پارسی میانه، *-akl-ag*) از میان رفت تا آنجا که گاهی قرضی ماندن پنهان ماند؛ زیرا، به لحاظ قواعد تکواژی- واجی (مورفونمیک)، این دو گروه حکم واحد پیدا کردند، لذا داریم: بیعلاقه/ بیعلاقگی به قیاس مثلاً بچه/ بچگی؛ تجارة ← تجارت/ تجارتی، قهوه/ قهوه‌ای.

□ به موازات دوگونگی در تلفظ، دوگونگی نوشتاری واژه‌های مورد بحث نیز در فارسی سابقه دیرینه دارد. در شاهنامه هر دو صورت «ت» و «ه» دیده می‌شود که هر کدام دارای ارزش عروضی

کفایه/کفایت	-	ت	(ت)	ت	ت	ت	ت	ت
شهره/شهرت	-	~	ت	ت	ت	ت	ت	(ت)
عباره/ عبارت	-	(ه)	ت	ت	ت	ت	ت	(ت)
غایه/ غایت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت	ت
قوه/ قوت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت
جمع ماده‌ها درصد	۲۳	۳۰	۱۲	۲۳*	۲۹	۳۱	۳۳*	۳۳*
	۴	۲۷	۱۹	۵۶	۲۰	۲۹	۵۸	۲۶

* هر یک از ردیفهای ۱ تا ۳ (شهره/شهرت، میمنه/میمنت، رساله/رساله) دو واحد حساب شده است چون صورتهای دوگانه آنها در عربی، هر چند از یک ریشه (حروف صامت اصلی) اند، از نظر لفظی و معنایی دو شاخه شده‌اند؛ مثلاً «میمنه» از شاخه «یمن» (سمت راست، جنوب) و «میمنت» از شاخه «یمن» (مبارکی، فرخندگی) آمده است.

وجود دارد؛ مانند مراجعه/ مراجعت، مساعده/ مساعدت، مصاحبه/ مصاحبت، اراده/ ارادت، افاده/ افادت، اقامه/ اقامت، رساله/ رسالت، شهره/ شهرت، نوبه(تپ نوبه)/ نوبت، وصله/ وصلت.

در مورد واژه‌های شبه‌قرضی که در بالا به آنها اشاره شد، محقق تمایزهای سه‌گانه‌ای قابل می‌شود:

(۱) واژه‌هایی که صورت لفظی آنها به معنایی دیگر در عربی وجود دارد، مانند سکونت (در فارسی به معنی ساکن بودن و ساکن شدن؛ در عربی؛ سکونه به معنی ضعف و فقر) یا حوصله (در فارسی معاصر به معنی صبر و شکیبایی؛ در عربی به معنی چینه‌دان)؛ (۲) کلماتی که در واژگان عربی وجود ندارند ولی صورت لفظی آنها به قیاس اوزان عربی ساخته شده است، مانند شماطه (ساعت زنگ‌دار)، مأخوذ از «شماطه» ترکی به معنی هیاهو یا از *šumet* روسی به معنی قیل و قال به‌پا کردن که یادآور «شمیط» (= سحرگاه) عربی نیز هست؛ (۳) از لفظ فارسی به قیاس وزن عربی ساخته شده و ریشه عربی ندارد، مانند نزاکت (از «نازک») یا بسیاری کلمات مختوم به *-ay* مثل فهلویه (فهلویات)، ایرانیت، زنیّت، دوئیّت، منیّت، خریّت که اکنون غالباً باناشاندن «-گری» به جای *-ay* از صورت عربی خارج شده‌اند (ایرانیگری، بهائیگری، مسیحیگری).

در حقیقت، آنچه در «شبه‌قرضی»ها عاریتی است گاه ریشه

سیاہه پایانی، آنها را با نشانه M مشخص ساخته است. سرانجام، محقق برای نشان دادن صورتهای هر واژه دز زبانهای فارسی کلاسیک، فارسی، تاجیکی، دری، ترکی، تاتاری، اردو، مالایائی جدولهای تطبیقی متعددی در اثر خود درج کرده است.

باری، در کار پری، دست کم از نظر روش و الگوها و ساخت کلی تحقیق، نقص محسوسی مشاهده نمی شود و اگر در مواردی مسامحه ای به چشم می خورد چندان جدی و در کل ذی نقش نیست^{۲۵}. می توان گفت که هر تحقیق دیگری در این زمینه تنها می تواند مواد پیکره و در نتیجه شواهد برای دعویهای مطروحه را افزایش دهد یا موارد تفصیلی وارد کند و، به هر حال، کمتر احتمال می رود بتواند از چارچوب و عناوین اصلی پژوهش او فراتر رود.

خودند. در المعجم شمس قیس رازی، *at*- هجای بلند و *eh*- (های بیان حرکت)، خواه در واژه اصیل خواه در واژه دخیل، هجای کوتاه به حساب آمده است. در مورد بعضی از واژه های قرضی مدت نسبتاً درازی لازم آمد تا یکی از دو صورت تثبیت شود و شاعران بی میل نبودند که از این امر بهره برداری کنند، چنانچه مولانا دو صورت *نَفَحَت* و *نَفحه* را، به مقتضای وزن، نزدیک به یکدیگر آورده است یا معروفی بلخی *حیلَت* و *حیله* را^{۲۳}.

از فواید جنبی این بررسی حاصل شدن ضابطه و معیار تازه ای برای تشخیص کهنگی و تازگی زبان متون است. مثلاً مصادر *یاب* مفاعله که در زبان متون کهن به صورت *at*- در آمده بعداً به صورت *eh*- تحول یافته است. محقق الفاظی را که با این تحول از صورتی به صورتی دیگر در آمده اند به صفت «مهاجر»^{۲۴} متصف و، در

طیف نگار معنایی: تبدیل صورت تاء مربوطه

اسم صفت	اسم مصدر		مصدر مژه	اسم شی و جز آن		اسامی ذوات	
	اسم	فعل		معنی	ذات	شمارناپذیر	شمارپذیر
ت [ه]			•				سوته/سویت
ت			•				مجامعه/مجاعت
ت		ت	•				عاطفه/عاطفت
	ت	ت	•				حیله/حیلت
	ت	ت	•				کنایه/کنایت
	ت	ت	•				وقایه/قایت
ت		ت	•				خطابه/خطابت
	ت	ت	•				مقاله/مقالت
		ت	•				موعظه/موعظت
		ت	•				• صنیهه/صنیعت
		ت	•				جریمه/جریمت
		ت	•				مفسده/مفسدت
		ت	•				دیه/دیت
		ت	•				خاتمه/خاتمت
		ت	•				رذیله/رذیلت
		ت	•	ت	ت		بقیه/بقیت
		ت	•	ت	ت		شیعه/شیعت
		ت	•	ت	ت		• قدره/قدرت
		ت	•			ت	• محله/محلت
		ت	•			ت [ه]	• جبهه/جبهت

حاشیه:

(۲۳) جادوکی بند کرد و حیلت بر ما بندش بر ما برقت و حیله روا شد. (Lazard, Gilbert. 1964. *Les premiers poètes persans/ as̄ār-e rākandeh-ye qadimtarin šo'arā-ye fārsi-zabān*. 2 vols. Paris / Tehran. 129, 2: 132).

(24) migrant

(۲۵) مثل نیاوردن صورتهای دوگانه ای چون مسئله/ مسئلهت که هر دو با فر معنایی زنده اند.